

تناقضات جنگ با تروریسم در خاور میانه

محمد اکرام اندیشمند

در حالی که تمامی دولت های مسلمان عرب و غیر عرب خاور میانه، روسیه و کشورهای غربی، داعش و تروریسم را دشمن مشترک و مبارزه با آن را هدف مشترک می خوانند، اما در مبارزه با آن به توافق مشترک نمی رسند. مهم ترین عامل این عدم دسترسی به توافق مشترک به تناقضات عمیق و گسترده ای بر می گردد که از رقابت و خصومت طرف های مختلف مدعی این مبارزه مشترک با دشمن مشترک ناشی می شود. نکات مهم این تناقضات عبارت اند از:

1- عدم توافق تمام طرف های مدعی مبارزه با تروریسم بر سر تعریف واحد از تروریسم و گروه های تروریستی. غربی ها با ترکیه و برخی کشورهای عربی، پی کا کا (حزب کارگران کردستان ترکیه) و حزب الله لبنان را تروریست می خوانند، در حالی که روس ها و جمهوری اسلامی ایران این گروه ها را شامل لیست گروه های تروریستی نمی کنند.

2- غربی ها در تعامل متوازن و یا انتخاب یکی از سه طرف رقیب و متخاصم اسلامی شامل دولت های سنی عرب، جبهه شیعه به رهبری ایران و جامعه کرد ها در مبارزه و جنگ با تروریسم، ناگزیری ها و دشواری های عمیق و گسترده دارند. امریکا و غربی ها با محدودیت های زیادی در این مورد روبرو هستند. در حالی که آنها جامعه سنی اعراب را با تفکر سلفیت، جایگاه و پایگاه اصلی ظهور و گسترش گروه های ستیزه جو و افراط گرای تروریستی میدانند، با توجه به منافع خود نمی توانند با بریدن از دولت های عرب سنی در کنار جمهوری اسلامی ایران و هلال شیعی و هم چنان جامعه گرد به عنوان دشمنان اصلی افراطیت سنی و تروریسم بر خاسته از آن قرار بگیرند. سرکوبی و نابودی داعش و گروه های افراطی سنی، دولت های سنی عرب را در برابر ایران و هلال شیعی تضعیف می کند و موجب ناراحتی بسیار شدید آن ها از متحدین غربی شان می شود. تقویت جامعه گرد یکی دیگر از مواردی است که با منافع عرب ها و ترکیه به عنوان متحدین غرب سازگاری ندارد. این در حالی است که غربی ها جامعه گرد را یک نیروی بالقوه و بالفعل قابل اعتماد در جنگ با داعش و گروه های تروریسم اسلامی عرب سنی میدانند و سرمایه گذاری بر سر آن ها را در این جنگ، مثمر و نتیجه بخش تلقی میکنند. اما بر عکس، سرمایه گذاری بر جامعه عرب سنی را در جنگ با تروریسم بیشتر بی فایده و از دست رفته می پندارند. عملکرد آن ها در حمایت تسلیحاتی از گروه های معارض بشار اسد که میانه رو خوانده می شدند، حکایت از تجارب ناموفق آنها در این مورد دارد و آن ها را به شدت در این سیاست متردد می سازد.

3- جنگ با داعش و تروریسم در خاور میانه بدون جنگ در زمین که برای راندن داعش و تمام گروه های مشابه از جغرافیای تسخیر شده توسط آن ها، الزامی است، به نتیجه و پیروزی نمی رسد. در حالی که غربی ها اراده و برنامه ای برای پیاده ساختن نیروی زمینی ندارند، استفاده از نیروهای

زمینی هر يك از اين سه طرف رقيب و متخاصم عربی و اسلامی خاور میانه، پیامد و تبعات پیش بینی نا شده دارد. تغییر توازن نظامی و سیاسی در منطقه پس از شکست کامل داعش و گروه های ستیزه جوی سنی، به نفع ایران و هلال شیعه یکی از نگرانی غربی ها است. این نگرانی دول غربی، افزون بر آنکه از ناراحتی دولت های متحد عرب آن ها بر می خیزد، از تضعیف نقش و نفوذ آن ها در بازی های سلطه گرانه بر این منطقه بسیاری حیاتی و استراتژیک ناشی می شود. در حالی که بسوی ادامه توازن میان طرف های رقيب و متخاصم اسلامی در خاور میانه به عنوان بخشی از اهداف و منافع خود نگاه می کنند.

4- تقویت روس ها در نتیجه تضعیف و شکست داعش و گروه های تروریستی یکی دیگر از نگرانی ها و محدودیت های غرب در جنگ با تروریزم است. غربی ها آتش جنگ با داعش و تروریزم را در خاور میانه در آن حدی که زمینه های تقویت و تثبیت روسیه را به عنوان قدرت بین المللی مساعد کند، داغ و مشتعل نمی سازند.

5- روسیه علی رغم آنکه از مبارزه و جنگ قاطع برای نابودی داعش و تروریزم سخن می گوید و عملاً وارد این معرکه شده است، اما به هیچ صورت به تنهایی و حتی با مشارکت ایران، از توانایی پیروزی در این جنگ برخوردار نیست. روس ها در جنگ با تروریزم در سوریه و خاور میانه در غیاب غرب و عدم مشارکت آن ها نه تنها که به پیروزی نمی رسند، بلکه هر چه بیشتر پای شان در باتلاق این جنگ فرو می رود.

آیا دولت های مختلف منطقه و جهان به خصوص غرب و روسیه در میان این همه تناقضات و محدودیت های مبارزه و جنگ با داعش و تروریزم به توافق مشترک دست خواهند یافت؟ عمق و گستردگی این تناقضات و تضاد منافع طرف های مختلف، راه نهایی را به این توافق می بندد و به بن بست می کشاند. مگر آنکه این بازی گران مختلف رقيب و متخاصم، راه دیگری برگزینند و با اراده و سیاست صلح و آرامش به جای رقابت و خصومت وارد شوند. در غیر آن، آتش این جنگ در میان بازی کثیف این همه بازیگران بی رحم و بی عاطفه، همچنان مشتعل باقی خواهد ماند.